

۱۳۳۷۲۲۲

۱۳۳۷

کتابخانه

سلسله تک نگاشت های
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

درآمدی بر اهمیت اندازه گیری و سنجش ها در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

شناسه	: پیغامی، عادل، ۱۳۵۲ -
عنوان و ناشر	: درآمدي بر اهميت اندازه‌گيري و سنجه‌ها در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
مشخصات نشر	: تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۷۶ص: مصور، جدول، نمودار.
روست	: سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۴۴.
شابک	: ۵۰۰۰۰ ریال ۹-۳۱-۷۶۱۱-۶۰۰-۹۷۸.
وضع فهرست نویسی	: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nia.i.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	: دکتر جعفر جعفری، سفارش مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتشر شده است.
یادداشت	: کتابخانه مرکزی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
شناسه افزوده	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
شناسه افزوده	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۸۲۸۴۱

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:

درآمدي بر اهميت اندازه‌گيري و سنجه‌ها در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نگارش: دکتر عادل پیغامی (عضو هیات علمی دانشکده امام صادق (ع))

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، مهرماه ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۵۰۰۰۰ ریال ۹-۳۱-۷۶۱۱-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

www.olgou.ir

Email: olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳

تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

مسئولیت دیدگاه‌های بیان‌شده در این تک‌نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبنای اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ایران، پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایران، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تأسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صد‌ها مقاله، شصت و نه کتاب و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تولید دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به صورت کتاب نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک نگاشت از نظر حجم و وسعت را حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین، افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.

فهرست

۵	چکیده
۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: ادبیات مسأله
۱۳	ضرورت دانش ورد آمدن و شاخص‌ها، به مثابه ابزار حکمرانی
۱۵	سنجش و اندازه‌گیری به مثابه ابزار حکمرانی
۱۸	گستره تلاقی ادبیات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و ادبیات سنجش و اندازه‌شناسی
۲۳	مبادی فلسفی اندازه‌گیری و سنجش
۲۵	فصل دوم: شاخص‌های ترکیبی سنجشی
۲۶	اهمیت و ضرورت
۲۹	پیشینه مسأله
۳۳	معرفی نمونه‌هایی از شاخص‌های ترکیبی
۳۳	نشست اقتصادی جهانی داووس و شاخص رقابت‌پذیری
۴۹	"استعداد" در جمهوری اسلامی ایران
۵۳	سنجش و اندازه‌گیری اقتصاد مقاومتی (مورد تاب‌آوری)
۶۷	فصل سوم: توصیه‌های نهادی و سیاستی جهت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت
۶۷	سیاست‌های ناظر به پژوهش و نهادهای پژوهشی
۶۸	سیاست‌های ناظر به نهادهای سیاستگذار و مجری
۷۱	پیوست
۷۵	منابع

چکیده

یکی از حوزه‌های مطالعاتی و پژوهشی ناظر بر ادبیات علوم اجتماعی-انسانی و یکی از سوالات اول و مهم انسان، مسأله اندازه و مقدار (اعم از کیل، وزن و ...) و ابزار سنجش آنها بوده است. اساس بدون ارزیابی و اندازه‌گیری، چه کمی و چه کیفی، ارتباطی با محیط پیرامونی خود و تغییرات و تحولات و پویایی‌های آن برقرار نمی‌کند. برنامه‌ریزی جهت حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب هم منوط به مقوله اندازه‌گیری، ارزشیابی و ارزیابی است. بنحوی که هرگونه اشتباه در داده‌ها و آمارها، نتیجه‌ای جز خطا در تصمیم و اشتباه در طراحی و اجرای برنامه‌های عملی به همراه نخواهد داشت. از این‌رو، هرکدام از مسأله‌ها و مولفه‌هایی که در باب الگوی اسلامی-ایرانی سرفرازی و اصول آن را که در نظر بگیریم، مقوله اندازه‌گیری و طراحی سنجش‌های ساده یا ترکیبی کمی و کیفی را از اهمیت بالایی باید دانست. در اغلب علوم اجتماعی، به ویژه دانش‌های همراهی علم آمار، شاخص‌سازی و اندازه‌گیری‌های کمی و کیفی از مهم‌ترین و سخت‌ترین حوزه‌های تولید علم محسوب می‌شوند. با اینحال طراحی شاخص در علوم اجتماعی-انسانی یکی از حوزه‌های عقب مانده و ضعیف است. سال‌هاست در اغلب مراکز علمی و حوزه‌های سیاستگذاری و اجرایی کشورهای در حال توسعه مثل ایران، فعالیت علمی در باب سنجش و اندازه‌گیری بقدر کافی و وافی انجام نمی‌پذیرد. در حسابداری‌های زیست‌محیطی، حسابداری‌های ملی سبز، حسابداری‌های اجتماعی، شاخص‌های ترکیبی، سنجش‌های نابرابری، و غیره وضعیت بسیار اسفناک است. این نکته زمانی آشکارتر می‌شود که توجه کنیم که شاخص‌های اقتصادی، صرفاً برای اندازه‌گیری و به عنوان عناصر منفعل، در اقتصاد نمود ندارند؛ بلکه کارکردی کاملاً فعال داشته و به عنوان ابزار حکمرانی عملاً بسیاری از رفتارهای اقتصادی مردم و دولت‌ها را جهت‌دهی می‌کنند. در این تکیه‌نگاشت، سعی شد تا با معرفی گستره

بحث در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تلاقی آن با ادبیات اندازه‌شناسی، به توصیف و تحلیل نقشه راه مقوله سنجش و اندازه‌گیری و سامانه‌های حسابداری مربوطه، و حوزه کاربردی هر یک از آنها پرداخته و با معرفی اجمالی از مقوله اندازه‌گیری و سامانه‌های حسابداری، و مرور ادبیات موجود در بحث شاخص‌سازی شاخص‌های کمی و کیفی، به معرفی دو نمونه عملی پرداخته شده است.

فعالیت و اقدامی را که نتوانی اندازه‌گیری
نمی‌توانی مدیریت، تمشیت و یا اجرا کنی!

مقدمه

تمامی علوم به ویژه آنهایی که از عرصه عقل نظری پای در حوزه عقل عملی می‌گذارند، چه در کمیتات و چه در کمیات متصل یا منفصل، مشمول هندسه و اندازه‌اند. به عبارت دیگر شدت و ضعف، کمی و کیفی، نسبت و اضافه، حرکت و تغییر، و... از جمله ضروریات هرگونه شناخت نظری، عملی و شرعی محسوب می‌شود.

به همین ترتیب یکی از حوزه‌های مطالعاتی و پژوهشی ناظر بر ادبیات علوم اجتماعی- انسانی و یکی از سوالات اولی و مهم اندازه‌گیری، مسأله اندازه و مقدار (اعم از کیل، وزن و ...) و ابزار سنجش آنها بوده است. انسان بدین ارزیابی و اندازه‌گیری، چه کمی و چه کیفی، ارتباطی با محیط پیرامونی خود و تغییرات و تحولات و پویایی‌های آن برقرار نمی‌کند. شناسایی وضع موجود جهت شناخت هر آنچه از سبب و ایجاب یا قوت و ضعف وجود دارد، تطبیق و مقایسه و برقراری تناسب با اوضاع مشابه در عیب، شناسایی پویایی و روند تغییر و تحول و جهت آن، و بالاخره نتیجه همه اینها بدین بهره‌ریزی جهت حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب، همه و همه منوط به مقوله اندازه‌گیری، ارزیابی و ارزیابی است. به نحوی که هرگونه اشتباه در داده‌ها و آمارها، نتیجه‌ای جز غلط در تصمیم و اشتباه در طراحی و اجرای برنامه‌های عمل به همراه نخواهد داشت. معروف است که یک فعالیت و اقدام را اگر نتوان اندازه گرفت نمی‌توان آن را مدیریت، اجرا و یا اعمال کرد! لذا نباید از این مهم غفلت کرد که بدون اقامه نهضتی در باب اندازه‌گیری، راهی برای اجرا و تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت نخواهیم داشت.

لذا هر کدام از مسأله‌ها و مولفه‌هایی که در باب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و اصول رکن آن مثل عدالت را که در نظر بگیریم، مقوله اندازه‌گیری و طراحی سنج‌های ساده یا ترکیبی کمی و کیفی را می‌بینیم و باید ببینیم. در اغلب علوم اجتماعی، به ویژه دانش

اقتصاد با همراهی علم آمار، شاخص‌سازی و اندازه‌گیری‌های کمی و کیفی از مهم‌ترین و سخت‌ترین حوزه‌های تولید علم محسوب می‌شوند. چرا که تحلیل و بررسی پسینی تبعات و نتایج سیاست‌های پیشنهادی و اعمال شده، و یا طراحی‌های پیشینی ابزارهای اقامه وضع مطلوب، منوط به داشتن شاخص‌هایی کارآمد و با قدرت روایی بالاست. با اینحال طراحی شاخص در علوم اجتماعی-انسانی یکی از حوزه‌های عقب مانده و ضعیف است. در اغلب ساحت‌های انسانی، مساله اندازه‌گیری دچار مشکل بوده و یا از ابزارهای شکننده و قابل مناقشه استفاده می‌شود. و لذا شناسایی وضع موجود و یا تحلیل روندها اکثراً با مشکل مواجه می‌شود. حتی در دانشی غالباً کمی همچون اقتصاد، در باب پیشرفت سال است که شاخص‌های رشد (مانند درآمد سرانه یا تولید ناخالص ملی یا داخلی) به مثابه ابزار سنجش و اندازه‌گیری عملکرد و دسته‌بندی کشورها مورد استفاده واقع شده و می‌شود. اما سگان به ضعف و محدودیت این شاخص‌ها در تحلیل روند توسعه کشورها و مقایسه بین آنها اذعان داشته و دارند. هر چند اخیراً شاخص‌هایی چون "الماس توسعه"^۱ "شاخص نیروی انسانی"^۲ یا "شاخص کیفیت زندگی"^۳، از تلفیق موزون چند شاخص کمی و کیفی چون رشد مرگ و میر نوزادان، بی‌سوادی، امید زندگی، نرخ ثبت نام در مدارس، دسترسی به آب سالم و بهداشت و ... معرفی شده‌اند، اما مشکل همچنان پیش روی محققان باقی و باز است (HumanDevelopment Report, 2007; Sen, 1985).

مشکل در شاخص‌ها و سنجش و ارزیابی مقولات ارزشی، انسانی و معنوی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و اصول رکنین آن، بیشتر و کهنه‌تر است. از یک سو مقولات کیفی چون ارزش‌ها و معنویات بویژه در مقام سنجش و ارزیابی، مساله‌ای کیفی و نسبی‌اند و لذا ارائه یک معیار و سنججه واحد مشکل است. از سوی دیگر حسب تعدد و تکرر در تعاریف و مکاتب، معیارهای سنجش نیز متعدد و متکثر می‌شوند. به طریق اولی، شاخص‌های مربوط به سنجش "شکاف" وضع موجود به مطلوب و یا اندازه‌گیری بویایی‌های مربوط به تغییرات، "سرعت بهبود" و یا سنجش تأثیرات سیاست‌های اعمال شده، در این زمینه نیز مغفول مانده‌اند. البته در دهه‌های اخیر و در حوزه نظری تلاش‌هایی صورت گرفته

1. Development Dimond
2. Human Development Index (HDI)
3. Physical Quality of Life Index (PQLI)

۴. فهرست کارهای علمی آمارتاجین در این زمینه بسیار مهم و الهام بخش است: http://ciks.vse.cz/Edice/nobel/Sen/sen_bib.aspx

است. بطور مثال کولتر در حوزه ادبیات نابرابری و عدالت، بالغ بر پنجاه شاخص را نام می‌برد (Coulter, 1989). و یا طراحی و معرفی شاخص‌های ترکیبی از سوی مراکز عمده سیاستگذاری جهانی چون بانک جهانی، موسسات سازمان ملل و مجمع جهانی اقتصاد در دو دهه گذشته رونق بسیار خوبی گرفته است (Bandura, 2008).

اما متأسفانه، سال‌هاست در اغلب مراکز علمی و حوزه‌های سیاستگذاری و اجرایی کشورهای در حال توسعه مثل ایران، فعالیت علمی در باب سنجش و اندازه‌گیری بقدر کافی و وافی انجام نمی‌پذیرد. به ندرت می‌توان از یک سنجش کمی یا کیفی ترکیبی نام برد که تولید فعالیت‌های علمی کارشناسان کشورهای در حال توسعه و متناسب با مقتضیات بومی ایشان باشد. آن‌ها در حوزه اصول و ارزش‌ها و مولفه‌های متمایز ما با جریانات متعارف بنحو بیشتری خود را نشان می‌دهد. بطوریکه در تمامی سال‌های گذشته و فعالیت‌های پژوهشی ادبیات اقتصاد اسلامی، مدیریت اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی و ... به جرات می‌توان گفت که تحقیق یا مقایسه‌ای در باب اندازه‌گیری دیده نمی‌شود! تأسف اینجاست که ما حتی در و بکارگیری پیشرفت‌های حاصله در ادبیات اندازه‌گیری و اندازه‌شناسی^۱ نیز به روز و روزآمد نیستیم! در حسابداری حسابداری، حسابداری‌های ملی سبز، حسابداری‌های اجتماعی، شاخص‌های ترکیبی، سنجش‌های نابرابری، مقوله تجمیع^۲ و ... وضعیت بسیار اسفناک و عقب افتاده است. سال‌هاست عجم کل نقدینگی ساده‌انگاران به جمع جبری اجزاء پولی محاسبه شده و یا شاخص‌هایی که صرفاً شاخصی ساده جهت سنجش مساوات در مواقع خاص است به عنوان شاخص عدالت بکار گرفته شده است!^۳ و در مراکز تهیه و تولید آمار، خبری از سایر شاخص‌ها نیست، با توجه به مراکز اجرایی و سیاستگذاری کشور ما، مانند مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و ... و نهادهای دیگر، گزارش‌های خود، از این شاخص‌ها استفاده نمی‌کنند.

موضوع «پیشرفت» به اذعان بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی، مفهومی جامع و سازمان دهنده از همه مولفه‌های مطلوب در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است. بزرگترین دانشمندان این حوزه، برای به رخ کشیدن توانایی تحلیلی خود، به موضوع ورود کرده‌اند و هر یک به تناسب سعه فکری‌شان، قطره‌ای به این دریا افزوده‌اند. نمود

1. Metrology
2. Aggregation

۱. مشابه مشکل مزبور در ادبیات توسعه، مشکل شاخص‌سازی برای فقر است که دلالت‌ها و تجارب متناسب و قریبی را برای شاخص‌سازی در مساله عدالت برای محققان می‌تواند داشته باشد. برای مثال همانند مباحث اقتصاد فقر در باب بردار قابلیت‌ها (Capabilities vector)، در تعریف عدالت حداقلی.

عینی نظریات پیشرفت، در پیشرفت‌های موصوف بیشتر قابل درک است و «پیشرفت اقتصادی» یکی از این موارد است. سرفصل‌های متعددی ذیل مبحث پیشرفت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، من جمله چیستی و چرایی پیشرفت، چگونگی تحقق عدالت و سیاست‌های ناظر به اجرا، شاخص‌سازی برای پیشرفت و... البته هر کدام از این سرفصلها بای متناسب با هر یک از بخش‌های اقتصاد (صنعت، کشاورزی، پول و بانک، بخش مالی، سلامت، آموزش و...) بازتعریف و عملیاتی شوند. اما نکته‌ای که غالباً مغفول مانده این است که توافق اندیشمندان کشور بر سر یک تعریف واحد از پیشرفت، لزوماً ما را در فرایند آن قرار نخواهد داد. لازمه اثرگذاری رویکردهای نظری در عینیت اقتصاد و سیاستگذاری‌های اقتصادی، داشتن چارچوب مفهومی‌ها و سنجه‌ها و شاخصهای کمی و ترکیبی مناسب است. به بیان دیگر، حلقه واسط تئوری‌های اقتصادی و عینیت اقتصاد، شاخص‌های اقتصادی هستند و موضوع پیشرفت نیز از این قاعده مستثنی نیست. این نکته، لزوم ورود نهادهای حاد بتی به مبحث شاخص‌سازی خصوصاً در حوزه پیشرفت را به وضوح نشان می‌دهد.

این نکته زمانی آشکارتر می‌شود که توجه کنیم که شاخص‌های اقتصادی، صرفاً برای اندازه‌گیری و به عنوان عناصر منفعل، در اقتصاد نمود ندارند؛ بلکه کارکردی کاملاً فعال دارند و عملاً بسیاری از رفتارهای اقتصادی مردم در دولت‌ها را جهت‌دهی می‌کنند؛ به عنوان مثال مراجعه کنید به آثاری که تعریف و انتساب شاخص حکمرانی خوب^۱ داشته است. بنابراین عدم توجه به مبحث شاخص‌سازی در موانع پیشرفت، مانع بزرگی خواهد بود برای اثرگذاری و نتیجه‌بخشی تلاش‌های نظری در حوزه پیشرفت، در حوزه سیاستگذاری و اجرا.

نتیجه اینکه بدون برخورداری از ابزارهای شناسایی وضع موجود، تحلیل روند و تغییر، و بدون داشتن ابزارهای توصیف وضع مطلوب، تغییر و تحول و دستیابی به مطلوب ناممکن است. لذا پرداختن به ادبیات سنجش و ارزیابی، و طراحی سنجه‌های پسینی و پیشینی در اولویت است.

بر این اساس در این تک‌نگاشت، سعی داریم تا با معرفی گستره بحث در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تلاقی آن با ادبیات اندازه‌شناسی، به توصیف و تحلیل نقشه راه مقوله

سنجش و اندازه‌گیری و سامانه‌های حسابداری مربوطه، و حوزه کاربردی هر یک از آنها پیردازیم. همچنین قصد داریم تا ابتدا با معرفی اجمالی از مقوله اندازه‌گیری و سامانه‌های حسابداری، یک دسته‌بندی کلی از این بحث ارائه دهیم. سپس ضمن مرور ادبیات موجود در بحث شاخص‌سازی شاخص‌های کمی و کیفی، به معرفی دو نمونه عملی می‌پردازیم که به طور ملموس نیاز کشور در بروز رسانی خود را در این عرصه نشان می‌دهد. بدیهی است، بررسی بیشتر ویژگی‌های هریک از این شاخص‌ها و تشخیص حوزه کاربرد هریک، در این تکتنگاشت نمی‌گنجد و می‌تواند موضوع کارهای پژوهشی آتی قرار گیرد. امید است که تکتنگاشت حاضر گامی و لو کوچک، در راستای تحقق اهداف دهه پیشرفت و عدالت و تمهید ابزارهای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برداشته باشد و توصیه‌های سیاستی لازم برای نهادهای سیاستگذار و مجری، و همچنین پیشنهاداتی برای مطالعات و پژوهش‌های آتی، متناسب با شرایط فعلی کشور ارائه کرده باشد.